

نقد نگارشی یک رأی

محمد رضا خسروی - قسمت چهارم

آن گونه که پیداست، آرای دادگاههای ایران هم از نظر محتوا وهم از نظر شکل، تا سامان دلخواه را باز یابد همچنان به یادآوریهای ادبی و حقوقی بسیاری نیاز دارد، در این شماره رأی کیفری و کوتاه را که از یک دادگاه عمومی تهران صادر شده است می نگاریم و آن گاه برخی نظرگاههای انتقادی خود را مطرح خواهیم کرد:

رأی دادگاه

در خصوص شکایت آقای ع و م علیه یکدیگر دایره به ایراد ضرب و شتم عمدی و توهین و فحاشی با عنایت به محتویات پرونده ونظر به این که شاکی پیگیر پرونده نبوده و علیرغم ابلاغ اخطاریه قانونی جهت ارائه دلیل یا دلایل خاص حضور نیافته و از طرف دیگر دلیلی نیز که اتهام متسبه به منتهم را محرز بدارد ارائه ننموده است. فلذا دادگاه باستناد بند الف از ماده ۱۷۷ از قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۲۸ شهریور ۱۳۷۸ مجلس شورای اسلامی به لحاظ فقدان ادله اثباتی قرار منع پیگرد متهم موصوف را صادر و اعلام می نماید. رای صادره ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان تهران می باشد.

رئیس شعبه ...

چنان که ملاحظه می کنید قاضی محکمه در رأی بسیار کوتاه که راجع است به جریانی بسیار ساده مرتکب لغزشهای نگارشی بسیاری شده است که هم اکنون بدانها اشاره می کنیم:

۱- در صورتی که رأی دیگر آرای محاکم ...
۲- و کهنه است و ...
۳- ...

بر تمام قضات وارد است که تلاشی در بازسازی و باز پیرایی بدنه بیرونی رأی ندارند.

۲- در سطر نخست رأی، به نام دو نفر اشاره شده است که هم شاکی هستند و هم متهم. یعنی که در شکایتی متقابل علیه یکدیگر اعلام جرم کرده اند اما در برابر نام یک نفر کلمه احترام آمیز (آقا) دیده می شود و آن نفر بعدی در اصطلاح سرش بی کلاه مانده است. قاضی می بایست با به کار بردن واژه آقایان، احترام خود را متوجه هردو تن می کرد که چنین نکرده است.

۳- عنوان اتهام (ایراد ضرب و شتم عمدی و توهین و فحاشی) ذکر شده است و پیداست که نویسنده رأی تصور درستی از معنای لغوی (شتم) نداشته است چرا که بر فرض بتوان (شتم) را به ایراد معطوف کرد، قاضی با آوردن واژه فحاشی به طور مستقل، نشان داده است که شتم چیزی جز فحاشی است. در حالی که به دلالت کل واژه نامه ها شتم یعنی ناسزا و فحش، گاهی در کلاسها با مطرح کردن این عبارت، هنگامی که به کار آموزان و قضات گفته می شود که در عبارت ایراد ضرب و شتم نوعی جهل به معنا به چشم می خورد، آقایان بنا را بر حسن ظن می گذارند و به دفاع برمی خیزند که اشکالی هم ندارد که شتم را به ایراد نیز عطف کنیم خوب این نظر در جای خود قابل دفاع به نظر می رسد اما در ما نحن فیه ظاهراً جای دفاع وجود ندارد، از این است که پیشنهاد می کند در چنین مواردی بهتر است نوشته شود فلان متهم است به فحاشی و ایراد ضرب ...

۴- (شاکی پیگیر پرونده ...)
۵- ...
۶- ...
۷- ...

فعل کامل استفاده شده است و تا پایان جمله هم فعل به چشم نمی خورد که وجه (نبوده) را کامل کند و سه دیگر آن که اصلاً مگر پیگیری شکایت از ملزومات حتمی شکایت است؟ قاضی فقط می تواند در جای خود آن را قرینه انصراف بگیرد و نه دلیل عدم وقوع بزه.

۵- نوشته شده است: علیرغم ابلاغ اخطاریه قانونی، این عبارت تا دو ایراد همراه است اول این که ترکیب علیرغم از ترکیبهای اصیل عربی است و در چنین ترکیبهایی جدانویسی توصیه شده است یعنی باید نوشته می شد (علی رغم) و همچنین است در ترکیبهای مع هذا و ذی نفع که نباید معها و ذینفع نوشته شوند دوم این که در بیان حقوقی، واژه قانونی صفت ابلاغ است و نه صفت اخطاریه یعنی که این ابلاغ است که در آیین دادرسی به دو صفت واقعی و قانونی توصیف شده است و اگر نه اخطاریه نیازی به تاکید قانونی بودن ندارد.

۶- در حالی که قاضی در پرونده با دو شاکی و دو متهم سرو کار داشته است رأی را برای شکایت یک نفر نگاشته است و از یک نفر حکایت می کند که حاضر نشده است و دلیل ارائه نداده است و چه و چها و سرانجام باز همان یک نفر را به عبارت (قرار منع تعقیب متهم موصوف) مورد حکم قرار داده است اما آیا این یک نفع است یا م؟ مشخص نیست.

۷- نویسنده رأی در ترکیبهای باستناد، بلحاظ، می نماید، ننموده است، و آئین) مرتکب خطاهای نگارشی گردیده است که من در جای دیگر به کرات این گونه لغزشها را مورد بحث قرار داده ام و نیازی به بازگویی آنها نمی بینم.

۸- ترکیب رأی صادره خطایی است آشکار، چرا که طبق معمول، صفت صادره را به شکل مونث برای موصوف رأی آورده است که لزومی ندارد در یک بیان فارسی خود را به انطباق صفت و موصوف مقید سازیم.